



Journal of Islamic Propagation

Volume 2 ● No 6 ● Autumn & Winter 2021

The Impact of the Mother's Personality on the Religious Upbringing of the Child from the Perspective of Verses and Narratives

Hanieh Mazarchi*

Abstract

Beliefs are of the deepest human needs that determine the lifestyle for him. Childhood is the best time to institutionalize this deep need. The present study, with the aim of examining the verses and narratives, tries to explain the influence of the mother's personality in the child's religious upbringing. In this article, the influence of the mother's personality on the religious upbringing of the child has been examined by descriptive-analytical method and through referring to verses and narrative sources. The findings of the study suggest that all layers of the mother's personality, such as insight, tendency, and behavior, have an impact on the child's religious upbringing. As a result, the mother is an important factor in shaping the child's belief system and creating the right belief attitude and behavior in the child.

Keywords

Disaster, infection, tradition, the Qur'an.

* Religious upbringing, educational character of mother, religious upbringing in verses, religious upbringing in narratives. H.mazarchi@chmail.ir



تأثیر شخصیت مادر در تربیت اعتقادی کودک از منظر آیات و روایات

حانیه مازارچی*

چکیده

اعتقادات، از عمیق‌ترین نیازهای انسان است که سبک زندگی را برای او مشخص می‌کند. بهترین زمان برای نهادینه‌سازی این نیاز عمیق، دوران کودکی است. پژوهش حاضر، با هدف بررسی آیات و روایات، در صدد است تأثیر شخصیت مادر در تربیت اعتقادی کودک را تبیین کند. در این نوشتار، با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به آیات و منابع روایی، به بررسی تأثیرگذاری شخصیت مادر بر تربیت اعتقادی کودک پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است تمام لایه‌های شخصیتی مادر، نظیر: بینش، گرایش و رفتار، بر تربیت اعتقادی کودک اثرگذار است. در نتیجه، مادر به‌عنوان عامل مهمی در شکل‌دهی نظام باور کودک و ایجاد بینش و گرایش و رفتار صحیح اعتقادی در وی می‌باشد.

کلیدواژگان: تربیت اعتقادی، شخصیت تربیتی مادر، تربیت اعتقادی در آیات، تربیت اعتقادی در

روایات.

مقدمه

اهمیت باورها و عقاید در تکوین مذهب و شخصیت کودکان، بر کسی پوشیده نیست و نقش مادر در شکل‌گیری بینش‌ها و نظام باوری کودکان، بی‌بدیل است. دوران کودکی، بهترین زمان برای نهادینه‌سازی اعتقادات است؛ زیرا با توجه به فطرت پاک کودک، نقش بستن اعتقادات با عمق بیشتری شکل می‌گیرد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره فرموده است: «مَثَلُ آن كَسٍ كَهْ دَر كُودَكِي بَه فَرَاكِيْرِي مَطَالِبِ پَرْدَاذِدْ، هِمَانَنْد حَكَاكِي بَر سَنْگِ اسْت»^۱ (الهندي، ۱۳۹۷ق، ج ۱۰، ص ۲۹۴، ح ۲۹۳۳۶).

با توجه به اهمیت اوان کودکی و نهادینه شدن باورهای اعتقادی در این دوران، باید تربیت اعتقادی را در همان سنین کودکی تقویت کرد؛ زیرا افرادی که دارای اعتقادات صحیح و ایمانی راسخ هستند، زندگی سالم‌تری دارند. به همین دلیل، قرآن کریم به مراقبت از خانواده سفارش کرده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند، [به طور کامل] اجرا می‌نمایند»^۲ (تحریم، آیه ۶).

بررسی نقش مادر در تربیت اعتقادی کودک، با استناد به آیات قرآن و روایات در زمینه الگوهای برتر نظیر: حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و مادران حضرت مریم، حضرت عیسی و حضرت موسی عَلَيْهِمُ السَّلَام، تفاسیر و منابع حدیثی و روایی نظیر حکمت‌نامه کودک و تحکیم خانواده، اثر محمدی ری‌شهری امکان‌پذیر است. همچنین، این موضوع در منابع اخلاقی و تربیتی مانند دیدگاه‌های اخلاقی و تربیتی از علمای اخلاق و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در مورد ازدواج و بارداری و تربیت فرزند به صورت کتاب، پایان‌نامه و مقاله در دسترس است. در زمینه تربیت اعتقادی، کتب و مقالات متعددی وجود دارد که از باب نمونه، می‌توان به مقاله «تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه»، نوشته علیرضا اعرافی اشاره کرد. در این مقاله، به ابعاد فقهی موضوع مورد

۱. «مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صِغَرِهِ كَالنَّشْرِ فِي الْخَجْرِ.»

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ.»

نظر پرداخته شده و همچنین، مقاله «نقش تربیتی مادر بر فرزندان از منظر آیات و روایات»، نوشته زهره منصوری که پژوهشگر در این اثر، به بررسی نقش تربیتی مادر در سه دوره: قبل بارداری، حین بارداری و بعد بارداری پرداخته و به طور کلی، مباحث تربیتی را بیان کرده است. به علاوه، مقاله «نقش مادر در تربیت فرزندان خدا باور در سوره آل عمران»، نوشته زهره شجاعی. در این اثر، نویسنده بیشتر به مباحث اخلاقی در زمینه تربیت فرزندان پرداخته است. از مجموع کتب و مقالات بررسی شده، مشخص شد پژوهشی که پیرامون نقش شخصیت مادر بر تربیت اعتقادی کودک بر اساس تفکیک لایه‌های شخصیتی بینش، گرایش و کنش شکل گرفته باشد، وجود ندارد و پژوهش حاضر، با تبیین لایه‌های شخصیتی و تطابق تأثیرگذاری مادر بر لایه‌های شخصیتی فرزند، از دیگر پژوهش‌های مشابه، متمایز شده است.

از این رو، با سؤال‌هایی اساسی روبه‌رو هستیم: مادر چه نقشی در تربیت اعتقادی فرزند دارد؟ کارکردهای تربیتی مادر بر لایه‌های شخصیتی فرزند کدام‌اند؟ نگاه قرآن در ارائه الگو به مادر در تربیت اعتقادی چیست؟ پژوهش حاضر، با جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر به روش توصیفی - تحلیلی، به بیان تأثیر شخصیت مادر در تربیت اعتقادی کودک می‌پردازد. در ابتدا به صورت مختصر به بررسی مفهوم تربیت اعتقادی و نیز لایه‌های شخصیت (بینش، گرایش و کنش) پرداخته می‌شود و در ادامه، به بررسی کارکردهای تربیتی مادر بر بینش، گرایش و رفتار کودک پرداخته، نهایتاً با ارائه الگوهای قرآنی، ثابت می‌کند که افکار و هیجانات و همچنین رفتار مادر، در اعتقادات کودک مؤثر است.

مفهوم تربیت اعتقادی

تربیت اعتقادی، از دو واژه «تربیت» و «اعتقاد» تشکیل شده است. از این رو، برای به دست آوردن فهم دقیق‌تری از آن، باید نخست معنای این دو واژه را دریافت. تربیت، از ریشه «ربب» به معنای سوق به سوی کمال معنوی می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۳۵). در این صورت، تربیت فقط به رشد کمی اختصاص نخواهد یافت؛ بلکه شامل رشد کیفی نیز خواهد شد (صانعی، ۱۳۷۵، ص ۱۱). اعتقاد، به معنای ایمان آوردن و در معنای مشهور، به تصدیق جزمی ذهن نیز اطلاق می‌شود (دهخدا، ۱۳۳۸، ج ۷، ص ۲۹۴۲). باور داشتن و ایمان به درستی چیزی را نیز اعتقاد گویند (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۲۶؛ معین، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۳۰۲). همچنان‌که در تعاریف نیز آمده، اعتقاد را

می‌توان با ایمان مترادف دانست. اعتقادات در تقسیم‌بندی‌های رایج از اسلام، قسیم اخلاقیات و اعمال عبادی قرار می‌گیرد. اصطلاح «اصول دین» نیز به صورت دقیق، ناظر به بخش اعتقادات دین است. توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد، از جمله متعلقات اعتقاد در نگرش شیعی است (فیض کاشانی، ۱۴۰۳، ص ۱۸۷).

تربیت اعتقادی، به معنای آموزش عقاید و شکل‌دهی نظام باورهای متربی و ایجاد بینش و گرایش و التزام در عرصه باورها است (اعرافی، ۱۳۹۲، ص ۱۰). تربیت اعتقادی، همان شناخت و معرفت به اصول دین است و کشف حقایق که خواهش فطری انسان است، از طریق آن برآورده می‌شود.

مفهوم بینش، گرایش و کنش

بینش، به معنای اندیشیدن است. اندیشه در انسانی که به‌عنوان موجودی اندیشه‌ورز شناخته می‌شود، از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. تفکر و اندیشیدن، به معنای سیر در میان دانسته‌های انسان برای کشف ندانسته‌های اوست (الرازی، بی‌تا، ص ۲۴۶؛ عبدالله، ۱۴۱۲، ص ۱۵۵). بنابراین، مجموعه مفاهیم تصویری، تصدیقی و ترکیبی و تحلیل میان آنها برای تعریف و استدلال، همان است که از آن با عنوان «بینش‌ها» یاد می‌شود.

گرایش، اسم مصدر از ریشه «گرویدن» است که می‌توان آن را در زبان عربی با واژه «تمایل» و رغبت برابر دانست (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «گرایش»). گرویدن یا تمایل پیدا کردن، حالتی نفسانی است که در پی تحقق یک «بینش» در شخص پدید می‌آید و زمینه را برای صدور رفتار یا منش در انسان فراهم می‌سازد.

کنش و عمل، لایه بیرونی ساحت وجودی انسان است. منظور از کنش و رفتار، هرکار اختیاری، اعم از جوارحی و جوانحی تلقی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۲۹). بنابراین، مراد از منش یا رفتار در انسان، مجموعه واکنش‌های کرداری و گفتاری مثبت یا منفی است که انسان از روی آگاهی و به‌صورت اختیاری، در برابر کنش‌های درونی و بیرونی از خود نشان می‌دهد.

تبیین لایه‌های شخصیت در انسان

در قرآن کریم شخصیت انسان به گونه‌ای جامع و دقیق بیان و تبیین شده است که در سه حوزه:

عقل (بینش)، قلب (گرایش) و رفتار (کنش) مورد توجه قرار دارد و وجه تمایز انسان از موجودات دیگر، به شخصیت انسان و خصوصیات روحی و روانی وی می‌باشد. هر سه لایه شخصیتی انسان را با استناد به آیات قرآن می‌توان مشخص کرد. در زمینه بینش انسان، آیات فراوانی در موضوعات شناخت انسان، هدایت انسان و آفرینش انسان وجود دارد که از باب نمونه، می‌توان به این آیه اشاره کرد: «گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی، آفرینشی [درخور] او عطا کرده. سپس، راهنمایی نموده است»^۱ (طه، آیه ۵۰).

آیات مربوط به ویژگی‌های عاطفی انسان، نظیر: شادی و اندوه، خشم و کظم، انگیزه و انگیزه‌ها، امید، حکایت از لایه بعدی شخصیت انسان، یعنی گرایش دارد؛ چنان‌که آیه ۱۸۸ سوره آل عمران، مؤید این مطلب است: «هرگز مپندار کسانی که بدانچه انجام داده‌اند، شادی می‌کنند و دوست دارند که به خاطر آنچه انجام نداده‌اند، ستایش شوند. پس، هرگز مپندار که برای آنان نجاتی از عذاب است و حال آنکه برایشان، عذابی دردناک است»^۲.

سومین ویژگی از ابعاد شخصیت انسان، در قرآن مجید که نماد ارزش‌ها، باورها، انگیزه‌ها و اندیشه و تأثیر آنهاست، ویژگی رفتاری است. در قرآن مجید، بر نقش عمل صالح در رستگاری و رسیدن به حیات طیبه تأکید فراوان شده است و انسان شایسته، کسی است که در کنار ایمان به خداوند و انجام عمل صالح، خیرخواه و مشفق بر بندگان است و آنان را به نیکی‌ها دستور می‌دهد: «همانا انسان در زیان است؛ مگر کسانی که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و همدیگر را به شکیبایی سفارش نموده‌اند»^۳ (عصر، آیه ۲ و ۳).

در بررسی لایه‌های شخصیت انسان، حضرت امام علیه السلام نیز سه لایه وجودی برای انسان قائل است؛ یکی، لایه عقلی است که اعتقادات و باورها مربوط به این لایه است. دوم، لایه نفسانی وجود انسان است که اخلاق مربوط به این لایه است. سوم، لایه ظاهری و آشکار است که مربوط به حوزه رفتارهاست و فقه اسلامی، این قسمت را پوشش می‌دهد (اردبیلی، تقریرات امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۴۱۷). در حوزه روان‌شناختی نیز از همین سه بُعد انسانی سخن می‌گویند (ر.ک: جلالی، ۱۳۸۰، ص ۴۹).

۱. «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى.»

۲. «لَاتُخْسِنَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيَحْسَبُونَ أَنَّ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسِبْنَهُمْ بِمَقَارَةِ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.»

۳. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ.»

مادر به‌عنوان اولین مربی، می‌تواند بر تمام لایه‌های شخصیتی تأثیرگذار باشد؛ زیرا تکامل این لایه‌های شخصیتی، به‌صورت تدریجی است و فرزند بیشترین ساعات اولیه زندگی خود را در آغوش مادر می‌گذراند و در این میان، تربیت اعتقادی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و چنانچه مادر نتواند مسائل اعتقادی را به‌خوبی تبیین کند، نمی‌تواند فرزند را در مسیر صحیح تربیت و هدایت قرار دهد.

جایگاه مادر در تربیت اعتقادی فرزند

مهم‌ترین عامل تربیتی کودک، مادر است؛ زیرا وی بیش از هرکس با مادر در تماس است و مفاهیم اعتقادی و اخلاقی را از او می‌گیرد و در رفتارها او را نمونه و شاهد خود قرار می‌دهد. بر این اساس، تربیت، از وظایف اولیه اوست. مهم‌ترین بخش تربیت فرزند، تربیت اعتقادی اوست. این امر، مخصوصاً باید در سال‌های نخست زندگی پایه‌گذاری شود. مادر باید مفاهیم خوب و بد را در ذهن فرزند استوار و ریشه‌دار سازد و بذره‌های اعتقادی را در دل او بپاشد و خوبی‌ها و رفتارهای او را بر اساس سنت الهی جهت دهد. این امر، نقش بسیاری مهمی در تکامل شخصیت کودک دارد. اسلام برای بهبود اجتماع و اصلاح شئون حیاتی جامعه، به اصلاح زن همت گمارده و ملاک مدنیت را به او وابسته دانسته است و نیز برای داشتن فرزندان صالح که کارگردانان جامعه فردايند، به مادر خوب توجه داشته و در انتخاب او، توصیه‌های بسیاری کرده است (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۵۳).

مادر از دو جهت نقش ویژه‌ای در تربیت فرزند دارد؛ ابتدا اینکه کودک مهم‌ترین سال‌های تکوین شخصیتش را در محیط اُنس و الفت با او می‌گذراند و این سال‌ها، فرصت کم‌نظیری برای اکتساب عادات، صفات و سایر ویژگی‌های رفتاری از مادر است (بهشتی، ۱۳۶۰، ص ۴۴). از جهت دیگر، مادران به لحاظ عواطف سرشار و خالصانه خود، پناهگاه مطمئنی برای کودک هستند و فرزند هر زمانی که احساس ناامنی می‌کند، ابتدا به مادر پناه می‌برد و امنیت مورد نظر خود را در آغوش وی جست‌وجو می‌کند (همان، ص ۴۷).

بنابراین، مشخص می‌شود مادر، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت فرزند و تربیت او دارد و خود باید دارای شخصیتی کامل باشد تا بتواند الگویی مناسب قلمداد شود.

کارکردهای تربیتی مادر بر لایه‌های شخصیتی فرزند

با توجه به اهمیت کارکردهای تربیتی مادر بر شکل‌گیری شخصیت فرزند، در این مبحث به تفصیل تأثیر این کارکردها بر بینش، کنش و رفتار فرزند پرداخته می‌شود.

الف. نقش مادر در شکل‌گیری بینش صحیح

مادر، نقش مؤثری در شکل‌گیری بینش صحیح فرزند دارد. عواملی چون: ایمان مادر، شیر مادر، دینداری و تبیین فلسفه آفرینش مقدماتی، برای شکل‌گیری بینش صحیح در فرزند است که در ادامه، به تفصیل آنها را توضیح می‌دهیم.

۱. ایمان مادر

با استناد به آیات قرآن کریم مشخص می‌شود که ایمان مادر، در تربیت اعتقادی فرزند اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا مادری که دارای ایمان و یقین قلبی باشد و آن را خود در درون خویش به وجود آورده باشد، می‌تواند قلب و روح فرزند خویش را نیز سرشار از ایمان به خداوند نماید. مؤید این مطلب، آیه ۱۲ سوره تحریم است که می‌فرماید: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنَ الْقَائِمِينَ» و [خداوند به] مریم دختر عمران [نیز مثل زده است]. زنی که دامن خویش را [از گناه] حفظ کرد. پس، ما از روح خود در او دمیدیم [تا عیسی در دامان او متولد شد] و کلمات پروردگارش و کتب آسمانی را تصدیق کرد و از اطاعت پیشه‌گان بود.»

در تفسیر این آیه آمده است: «مریم از نظر ایمان، در سر حدّ اعلا قرار داشت و به تمام کتب آسمانی و اوامر الهی، مؤمن و از نظر عمل، پیوسته مطیع اوامر الهی بود. جان و دل بر کف و چشم بر امر و گوش بر فرمان داشت» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۰۵).

مادر، به‌عنوان مربی باید خود مقید به توحید و خدا باوری باشد، تا بتواند فرزند خویش را در مسیر هدایت قرار دهد. جهل مادر یا افکار باطل وی در مسائل دینی، سبب می‌شود فرزند در باره حقیقت دین و مذهب، دچار تردید و شاید انکار گردد. بنابراین، در آیات قرآن به ایمان و خدا باوری مادر اشاره شده است: «و با زنان مشرک ازدواج نکنید، تا زمانی که ایمان بیاورند. قطعاً کنیز با ایمان، از زن آزاد مشرک، بهتر است؛ هر چند شما را خوش آید و زنان با ایمان را به ازدواج مردان مشرک در نیاورید تا زمانی که ایمان بیاورند. مسلماً برده با ایمان، از مرد آزاد

مشرك، بهتر است؛ هرچند شما را خوش آید»^۱ (بقره، آیه ۲۲۱).

پس، مادری که می‌خواهد فرزند باایمان داشته باشد، خود باید دارای یقین و ایمان قلبی باشد تا بتواند فرزندانش را سرشار از ایمان به خداوند نماید و فرزندى خداپرست و پاک تربیت کند. همچنین، اندیشه‌ها و افکار مادر، نقش مؤثری در تربیت اعتقادی فرزند دارد؛ زیرا اندیشه و افکار، ارتباط مستقیمی با عقاید انسان دارد.

در مورد نقش اندیشه و فکر حرام در هنگام انعقاد نطفه، در قرآن آمده است: «... وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْتُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (اسراء، آیه ۶۴)؛ و خداوند به شیطان می‌فرماید: و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی و آنها را با وعده‌ها سرگرم کن؛ ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده‌ای به آنها نمی‌دهد.»

منظور از شراکت جستن شیطان در مال و فرزند آدمی، سهم بردن از نفع و سود آنهاست. اگر انسان بر اثر وسوسه شیطانی، فرزندى را که می‌تواند از راه حلال به دست آورد، از راه حرام متولد کند، به شیطان کمک کرده و شیطان را در بخشی از فرزند خود شریک کرده است. بنابراین، قرار دادن ثروت و فرزندان در مسیر شیطان - به هر شیوه‌ای که باشد - شریک کردن او در آنهاست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۴۳).

بنابراین، بر اساس این آیه، اگر مادر در هنگام انعقاد نطفه یا دوران بارداری، در اندیشه حرام و گناه‌آلود باشد، شیطان را در ایجاد فرزندش شریک کرده و مسلماً شیطان، انسان را به گمراهی و نابودی می‌کشاند.

۲. شیر مادر

شیر مادر، تأثیر عجیبی در فرزند دارد؛ چنان‌که اگر غذایی که مادر می‌خورد، مقوی باشد و در بنیه و قوه بچه تأثیر گذارد، از نظر معنویت هم تأثیر شگرفی در روحیه فرزند دارد. روحیات مادر، روی حمل و شیر مادر اثرگذار است. پس، مادر باید با تقوی بوده و مواظب باشد به‌خصوص در وقت شیر دادن، در زندگی‌اش مرتکب گناه نشود (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۳۳).

بر اساس آیات قرآن، مانند آیه ۲۳۳ سوره بقره، یکی از مسائل مورد توجه بعد از تولد، مسئله

۱. «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْبَبْتُمْ وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ.»

شیر دادن است: «مادران، فرزندان را دو سال تمام شیر می دهند. این حکم، برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل نماید... نه مادر حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر...»^۱ امام صادق علیه السلام از جدش امیر مؤمنان علیه السلام نقل می کند که بارها فرموده است: «همان طور که با دقت نظر انتخاب همسر می نمایید، هر شخصی را جهت شیر دادن به فرزند خود انتخاب نکنید؛ زیرا چه بسا شیرخوارگی، باعث تغییر طبیعت نوزاد گردد»^۲ (حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۶۸). شیر مادر، از اهمیت بسیاری برخوردار است و جنبه اخلاقی آن مورد توجه است؛ زیرا می تواند طبیعت کودک را تغییر دهد و بر سرنوشت او تأثیر بگذارد.

بر مبنای همین نگرش، بارزترین و والاترین نقشی که در کلام و حیانی قرآن بر اساس ویژگی های جسمی و روحی برای زنان ترسیم شده، نقش مادری و عهده داری تربیت فرزندان از سوی آنان است (هاشمی، ۱۳۸۶، ص ۵۰):

- ویژگی های جسمانی: «و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کن؛ به خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته، [هر روز] بر رنج و ناتوانی اش افزوده است [و فرمودیم که] شکر من و شکر پدر و مادرت را به جای آور که بازگشت [خلق] به سوی من خواهد بود»^۳ (لقمان، آیه ۱۴).

- ویژگی های روحی: «[سرانجام] قلب مادر موسی، [از همه چیز جز یاد فرزندش] تهی گشت و اگر دل او را به وسیله ایمان [و امید] محکم نکرده بودیم، نزدیک بود مطلب را فاش کند»^۴ (قصص، آیه ۱۰). بنابراین، اگر روح مادر آلوده به گناه شود، با شیر دادن، این آلودگی به فرزند منتقل شده، زمینه انحراف و گناه او میسر می شود.

۳. درونی کردن دینداری

آنچه در تربیت اعتقادی کودک مهم تلقی می شود، درونی کردن دینداری است. برای این منظور، باید تغییراتی در لایه زیرین شخصیت انسان، یعنی بینش او ایجاد شود. اگر آموزش مفاهیم دینی کودکان بدون توجه به اصول و روش های صحیح آموزشی انجام پذیرد، مصداق این

۱. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ... لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَالِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ.»

۲. «كَانَ علیه السلام يَقُولُ: تَحَيَّرُوا لِلرَّضَاعِ كَمَا تَحَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ فَإِنَّ الرَّضَاعَ يُغَيِّرُ الطَّبَاعَ.»

۳. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ.»

۴. «وَ أَصْبَحَ فُوَادٌ أُمَّ مُوسَى فَارِعَا إِنْ كَانَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَى قَلْبِهَا لَيَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.»

سخن امام صادق علیه السلام خواهد بود: «کسی که بدون بصیرت دست به انجام کاری می‌زند، مانند رونده در بیراهه‌ای است که هرچه سرعتش بیشتر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد»^۱ (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱).

به دلیل نقش پایه‌ای لایه زیرین شخصیت، باید گفت نقطه آغاز تغییر شخصیت افراد، همین لایه است. بنابراین، اگر بدون توجه به این لایه، در صدد تغییر در لایه‌های بعدی برآیم، هیجان یا رفتاری که از فرد بروز می‌کند، بی‌ریشه بوده، کارآیی لازم را نخواهد داشت. هدف از تربیت کودک، تغییر بینش و طرز تفکر و پیدا کردن قدرت تجزیه و تحلیل و بروز شخصیتی فعال و مستقل در اوست؛ به طوری که بتواند به سادگی در فرایند یادگیری، روابط موجود بین پدیده‌های ملموس و مفاهیم ارزشی را از نو کشف و بازسازی کند.

۴. تبیین فلسفه آفرینش انسان

یکی از راه‌های مؤثر در تربیت اعتقادی کودک، شناخت آفرینش انسان است. مادر باید پیرامون چگونگی پیدایش انسان و مراحل رشد و تکامل جسمی و روحی با فرزند خویش سخن بگوید و از او بخواهد که در مورد این مسئله تأمل کند. بینش مادر به هدف اعلا، یعنی بندگی و قرب الهی باید کامل شود (باقری، ۱۳۸۶، ص ۷۸). خداوند متعال در قرآن کریم به این هدف اشاره می‌نماید: «من انسان‌ها و جن را نیافریدم مگر برای اینکه عبادتم کنند»^۲ (ذاریات، آیه ۵۶). بدیهی است که عبادت، مکتبی برای پرورش انسان در ابعاد مختلف است؛ «هر نوزادی بر اساس فطرت توحیدی متولد می‌شود؛ این پدر و مادر اویند که وی را یهودی یا مسیحی یا مجوسی می‌نمایند»^۳ (حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۲).

سخن مادر در زمینه عبادت خدا، به اندازه یک عمل چندلحظه‌ای، در کودک نافذ نیست. صد بحث درباره نماز، به اندازه یک نماز خواندن نمی‌آرزد. روح دینی را باید از راه عمل در کودک نهادینه کرد؛ نه از راه حرف و سخن. اگر مادر نیازمند به پرورش افرادی خاشع و خاضع برای خداست، چاره‌ای ندارد، جز آنکه خود نمونه عملی خشوع و خضوع درگاه الهی باشد و سیره و رفتارش با تمام جنبه‌های اسلامی و قرآنی همسو باشد (بهشتی، ۱۳۶۰، ص ۴۴).

۱. «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ شَوْعُهُ السَّبِيلَ الْأَبْعَدَ.»

۲. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.»

۳. «وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ إِنَّمَا أَبَوَاهُ يَهُودِيَّةً وَ نَصْرَانِيَّةً وَ يَمَجْسَانِيَّةً.»

بنابراین، مادر با تبیین فلسفه آفرینش و هدف بندگی، می‌تواند اعتقاد صحیح را در ضمیر فرزند نهادینه سازد.

ب. محبت، عامل شکل‌گیری نگرش صحیح

«محبت»، ارتباط عمیقی با دین دارد؛ به طوری که در تفسیر آیه ۳۱ آل عمران، از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «دین، محبت است و محبت، دین است»^۱ (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۸۳-۸۴).

محبت، در تربیت انسان جایگاه ویژه دارد؛ زیرا مبتنی بر محکم‌ترین و ریشه‌دارترین میل‌های فطری، یعنی حبّ ذات و کمال‌طلبی است (اسکندری‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱).

مسئله تربیت بر پایه محبت، آن‌قدر مهم است که در توصیه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده: «فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او و خواندن قرآن»^۲ (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۱۱، ح ۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۸۶، ح ۱۰۱). از سه سفارش رسول خدا، دو مورد بر پایه محبت است. مادر برای اینکه در انتقال خداپاوری کودک مؤثر باشد، باید پایه تربیتی محبت را به خوبی استوار سازد.

برای تأثیر محبت در تعمیق اعتقادات کودک، سه محور باید مورد توجه و لحاظ قرار گیرد:

۱-۲. محبت مادر به خدا و اهل بیت علیهم السلام

مادری که حبّ خدا در دل دارد و محبت اهل بیت علیهم السلام در سر می‌پروراند و در شادی آنها شادمان و در حزن آنها حزین و در عمل نیز تابع سیره آنهاست، بهترین نقش را در تربیت کودک خویش ایفا خواهد کرد: «... بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد»^۳ (آل عمران، آیه ۳۱).

به میزان محبتی واقعی که در دل به خداوند و معصومین علیهم السلام دارد، امکان همانندسازی فرزند به ایشان فراهم می‌آید.

۲-۲. آموزش محبت خدا و اهل بیت علیهم السلام به کودک

آموزش دوستی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام از همان دوران طفولیت باید آغاز شود. در این باره، سفارش‌های متعددی از معصومین علیهم السلام رسیده است؛ چنان‌که گفتیم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مبنای

۱. «الَّذِينَ هُوَ الْحَبُّ وَالْحَبُّ هُوَ الدِّينُ.»

۲. «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ.»

۳. «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...»

تربیتی شان بر محبت و دوستی رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام است (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۱۱، ح ۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۸۶، ح ۱۰۱). وقتی اصحاب رسول خدا از پیامبر سؤال کردند: ای پیامبر خدا! چگونه خانواده مان را از آتش جهنم حفظ کنیم؟ حضرت فرمود: آنان را به آنچه خدا دوست می دارد، بخوانید و از آنچه خدا ناخوش می دارد، نهی کنید (سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۲۲۵).

۲-۳. ایجاد فضای محبت آمیز میان اعضای خانواده

در موضوع محبت، باید توجه داشت که وجود فضای محبت آمیز و علاقه های متقابل بین دو پایه اساسی خانواده، یعنی مادر و پدر، باعث شکل گیری گرمی، عطوفت و مهربانی در خانواده می شود و چنین محیطی، به تربیت خدا باوری سرعت می بخشد.

ج. شکل گیری رفتار صحیح بر مبنای الگوی رفتاری مادر

بینش و گرایش، مقدماتی هستند برای برانگیختن انسان به سوی عمل و رفتار شایسته دینی. در مکتب توحیدی، شناخت به تنهایی ارزش ندارد. از این رو، در آیات و روایات متعددی، از علم بدون عمل، نهی شده است (ر.ک: صف، آیه ۲ و ۳؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۱، ص ۳۶۸). عواطف و گرایش ها نیز زمانی ارزش دارند که رنگ عملی به خود گرفته باشند.

نقش مادر، به شرط آنکه الگویی شایسته از هر نظر باشد، نقش هدایتی در فرزند دارد. بر این اساس، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «بهترین ادب، آن است که از نفس خودت آغاز کنی»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۰۰).

عاملان تربیتی باید، رفتار شایسته ای داشته باشند تا تأثیر مناسبی در مخاطب بگذارند؛ همان طور که ذیل آیه ۶ سوره مبارکه تحریم (ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده تان را از آتش حفظ کنید)، آمده است: مردی از مسلمانان نشست و گریه کرد و گفت: من از حفظ خود ناتوانم؛ اکنون مسئولیت خانواده ام نیز بر عهده ام نهاده شد! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برای تو همین کافی است که به آنچه خودت را بدان فرمان می دهی، آنان را نیز فرمان دهی و از آنچه خودت را نهی می کنی، آنان را نیز نهی کنی» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۶۲، ح ۱).

بنابراین، مادری که در اعتقاداتش گرفتار نفاق است، نمی تواند باور صحیح را در فرزند خویش نهادینه کند.

۱. «أفضل الأدب ما بدأت به نفسك.»

الگوهای برتر قرآنی در تربیت

قرآن به نقش مادری توجه خاصی داشته و در تقسیم وظایف میان زن و شوهر، کار تربیت فرزندان را به مادران سپرده است. رهیافت این ستایش و وظیفه‌سپاری از سوی قرآن، ما را به این باور می‌رساند که ارائه الگوهای مادرانی که در این میسر موفق شدند، کمک بسزایی برای بینش و گرایش و کنش مادران جامعه خواهد داشت. در ادامه، به نمونه‌های چند از مادرانی که در روند تربیتی خود با تنظیم بینش و گرایش و رفتار خداجویی، توانستند نهال خداواری را در کودک بنشانند، اشاره می‌شود:

۱. حضرت زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام با عمل به آنچه می‌فرمود، فرزندانش را با عمل و اخلاق اسلامی آشنا می‌ساخت؛ چنان‌که امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «یک شب جمعه دیدم مادرم در محراب عبادت ایستاده و تا طلوع صبح به نماز و دعا مشغول است و برای همه دعا می‌کند. گفتم: مادر جان! چرا برای خود ما دعا نکردی؟ فرمود: یا بُتّی، الجائرُ ثمَّ الدّارُ؛ فرزندم! اول، همسایه؛ بعد اهل خانه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۸۱).

حضرت زهرا علیها السلام نه فقط با گفتار، بلکه با رفتار خود و عبادت خالصانه، برای فرزندان و اعضای خانواده نقش مربی و الگوی عملی داشت. او علاوه بر تربیت پسرانی چون حسین علیه السلام، دخترانی چون زینب علیها السلام را در دامان خود پروراند و به آنان درس پایداری در برابر ظالمان و ستم‌پیشگان آموخت تا در کمال جرئت و صراحت، در برابر قدرت بنی‌امیه سخن بگویند و از توطئه بر ضدّ دین و امت پیامبر پرده بردارند (حکیم، ۱۳۹۳، ص ۹۳).

۲. مادر موسی علیه السلام

در ماجرای تولد حضرت موسی علیه السلام، دو نکته ذیل، قابل تأمل است:

یک. وحی الهی به مادر موسی علیه السلام، منزلت مادر موسی علیه السلام را به عنوان مادر، بسی والایی می‌بخشد. خداوند از ایمان، قلب مطمئن، تعهد و اجرای دقیق دستورات خود به وسیله مادر موسی علیه السلام، با لحن ستایش‌گرانه سخن می‌گوید.

دو. راز بازگشت دوباره موسی به آغوش مادر، تسکین قلب مادر موسی، زدودن اندوه از وی و اثبات حقانیت وعده خداوند دانسته شده است: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَ

لَتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ ما او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است» (قصص، آیه ۱۳). با توجه به اینکه از میان تمامی راه‌های ممکن، خداوند راهکار امتناع او از پذیرش و مکیدن پستان زنان دیگر را عامل بازگشت موسی به مادر، تقدیر و پیش‌بینی می‌کند، نشانگر این مطلب می‌تواند باشد که کار تربیت، پرورش، تغذیه و رشد موسای پیامبر، باید که به وسیله زنی چون مادر خود وی انجام پذیرد و این به معنای برجسته کردن اهمیت نقش تربیتی مادران، و ارائه الگوی موفق از مادری است که با ایمان و اعتماد به خداوند، کار تربیت و پرورش فرزندی چون موسی علیه السلام را به شیوه احسن به فرجام رساند.

۳. همسر عمران، مادر مریم علیها السلام

مریم، بانوی نمونه‌ای است که در قرآن کریم بسیار ستایش شده و از جمله زنان برگزیده معرفی شده است (آل عمران، آیه ۴۲). در تفاسیر، مانند: مراغی (ج ۶، ص ۱۶۷)، روح البیان (ج ۲، ص ۴۲۳) و کبیر (ج ۱۲، ص ۴۰۹) می‌خوانیم که سرآمد زنان جهان، چهار نفرند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.

قداست و برگزیدگی مریم، به طوری که قرآن روایت می‌کند، با تربیت یافتن وی در دامان مادری چون همسر عمران، شایستگی‌ها، باور، اخلاص و ایمان او ارتباط دارد؛ زیرا قرآن قبل از تکریم مریم، به ارائه ویژگی‌هایی از مادر او پرداخته است: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ آنگاه که زن عمران گفت: پروردگارا! من عهد کردم فرزندی که در رحم دارم، از فرزندی خود در راه خدمت تو آزاد گردانم. این عهد مرا بپذیر که تویی شنوا و آگاه» (آل عمران، آیه ۳۵). بی‌تردید، زنی با این خداباوری و نیت الهی و معنوی، دوره بارداری خویش را در کمال پروا پیشگی و بندگی خالصانه به سر برده و مراقب طهارت ظاهری، باطنی و دوری از آرایش‌های تأثیرگذار بر کودک خویش بوده است.

دکتر نجمین می‌نویسد: «انسان قبل از تولد، نه تنها در رحم مادر رشد می‌کند، تغذیه می‌شود و محیط گرمی دارد، بلکه در همه حرکات‌های او، شریک است» (نجمین مک‌لین، ۱۳۹۶، ص ۵۴۳).

مادر مریم، در نخستین لحظه‌های تولد فرزندش، در اندیشه پایبندی به عهدی است که با خدا بسته است و زمانی که می‌بیند برخلاف تصور او، دختری به دنیا آورده که نمی‌تواند بر

اساس رسوم آن جامعه، در شمار خدمت کاران خانه خدا درآید، این رویداد خلاف تصور، چیزی از ایمان وی نمی‌کاهد و او همچنان ثابت‌قدم در عهدش باقی می‌ماند و نوزادش را «مریم» (عبادت‌کننده خداوند) نام می‌نهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۷۰) و با سپردن او و نسلش به خداوند، خواهان امداد الهی در تربیت وی می‌گردد: «فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ و چون او را بزاد، [از روی حسرت] گفتم: پروردگارا! فرزندم دختر است! و خدا بر آنچه او زاییده، داناتر است و پسر، مانند دختر نخواهد بود و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندان او را از شر شیطان رانده‌شده، در پناه تو آوردم» (آل عمران، آیه ۳۶).

مادر مریم، در تربیت شایسته دخترش از هیچ کوششی فروگذار نکرد و خداوند به دست او و در دامانش، مریم را به رشد و کمالی بس نیک و شایسته رسانید: «... وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران، آیه ۳۷).

۴. مریم، مادر عیسی عليه السلام

مریم، مادر عیسی عليه السلام، نمونه دیگری از الگوی مادر برتر است که در آیات قرآن به این امر تأکید شده است. از آیات مربوط به توصیف حالات شخصی، ویژگی‌های رفتاری، عبادی، خلقی، برگزیدگی و پاکدامنی مریم، سکنناگزینی او در عبادتگاه پروردگار و بهره‌وری از نعمت‌های بهشتی، چند مطلب قابل فهم و دریافت است:

یک: وارستگی، پاکدامنی و بندگی خالصانه مریم، سبب شد فرزند بزرگواری چون عیسی مسیح عليه السلام در دامن او زاده شود.

دو: تولد فرزندی چون عیسی از مادری همچون مریم، به صورت آشکار بیانگر نقش مادر در تربیت فرزندان در مراحل جنینی و پس از آن و نیز تأثیر حالات روحی، اخلاق و ایمان مادران بر خلق و خوی و حالات و رفتار فرزندان است.

سه: بشارت تولد عیسی عليه السلام را فرشتگان به مریم دادند و آن نوزاد را با لقب «فرزند مریم» معرفی کردند و این، یعنی او سهمی بسزا در تحقق اراده الهی و تولد فرزندی چون عیسی از دامن او داشته است (آل عمران، آیه ۴۵). همچنین، طبق آیه ذیل، تأکید خداوند بر «صدیقه» بودن مریم، گویای آن است که پاره‌ای از خصوصیات و صفات منحصر به فرد و استثنایی عیسی عليه السلام رهاورد صفت صدیق بودن مادر اوست: «مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ

صِدِّيقَةً كَانَا يَا كَلَانَ الطَّعَامِ أَنْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (مانده، آیه ۷۵)؛ مسیح، فرزند مریم، فقط فرستاده [خدا] بود؛ پیش از وی نیز، فرستادگان دیگری بودند. مادرش، زن بسیار راستگویی بود؛ هر دو غذا می خوردند [باین حال، چگونه دعوی الوهیت مسیح و پرستش مریم را دارید؟]

نتیجه

پایبندی به ارزش‌های اعتقادی در زندگی، از جمله عوامل تقویت سبک زندگی اسلامی می‌شود که بهترین زمان برای نهادینه‌سازی آن در دوران کودکی است. از بین عوامل تربیتی، نقش مادر در آیات و روایت، منحصر به فرد است. در نتیجه، برای داشتن کودکی معتقد، باید توجه ویژه به مادر داشت. بینش و شناخت مادر به اعتقادات، باعث می‌شود در جهت رشد عقلانی خداباوری در کودک مؤثر باشد. حب و بغض مادر، به‌عنوان یکی از احساسات و عواطف درونی مادر نسبت به خدا و دین، در انتقال محبت به خدا در کودک اثر بخش است و نهایتاً رفتار و کنش‌های وی به‌صورت عملیاتی، خداباوری را در کودک تقویت می‌کند. مادر با توجه به این سه لایه شخصیتی خویش، به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تربیت اعتقادی کودک مؤثر است. همچنین، باید توجه داشت که بین لایه‌های وجودی انسان (بینش، گرایش و رفتار)، ارتباط و پیوستگی عمیقی است و این ابعاد، بر روی همدیگر اثر می‌گذارند. با شناخت هر حقیقتی، حب و انگیزه‌ای در لایه بعدی نسبت به متعلق به آن شناخت برانگیخته می‌شود و عمل و حرکت را ایجاد می‌کند.

بنابراین، برای مادر ضروری است که دین را به‌خوبی بشناسد تا علقه و محبتی به آن ایجاد شود و بینش و گرایش مادر، او را در عمل به دینداری کمک کند و مجموعه این سه با هم، به مادر کمک می‌نماید تا کودکی خداباور تربیت کند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
۲. اردبیلی، سید عبدالغنی، ۱۳۹۲ش، تقریرات فلسفه امام خمینی علیه السلام، ج ۳، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳. اعرافی، علی رضا، ۱۳۹۲ش، روش های تربیت، قم، اشراق.
۴. اسکندری نژاد، خدیجه، ۱۳۸۹ش، «نقش شخصیت مادر در تربیت دینی فرزند»، مجله طهورا، سال سوم، شماره ۷، زمستان.
۵. باقری، خسرو، ۱۳۸۶ش، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، ج ۲، چاپ ۱۷، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
۶. بهشتی، احمد، ۱۳۶۰ش، تربیت از دیدگاه اسلام، قم، انتشارات صدرا.
۷. جلالی، حسین، ۱۳۸۰، «درآمدی بر بحث «بینش»، «گرایش»، «کنش» و آثار متقابل آنها»، معرفت، شماره ۵۰: ۴۵-۵۵.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷ش، زن در آینه جمال و جلال، ویراستار: محمود لطیفی، چاپ سوم، قم، انتشارات اسرا.
۹. الحلی، احمد بن فهد، ۱۴۰۰ق، عدة الداعي ونجاح الساعي، ج ۱، صححه وعلق علیه: احمد الموحدي القمي، چاپ اول، قم، دار الكتاب الاسلامي.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۱. حکیم، سید منذر، ۱۳۹۳، درسنامه زندگانی و سیره حضرت زهرا علیها السلام، قم، مرکز نشر هاجر.
۱۲. داوودی، محمد، ۱۳۸۶ش، تربیت دینی، چاپ هفتم، قم، پژوهشگاه و حوزه و دانشگاه.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۸، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. السیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۱۴ق، الدر المشور فی التفسیر المأثور، چاپ اول، بیروت، دار الفکر.
۱۵. صانعی، مهدی، ۱۳۷۵ش، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی التفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۷. طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، الأمالی، قم، دار الثقافة.
۱۸. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نورالثقلین، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان.
۱۹. عمید، حسن، ۱۳۷۶، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر.
۲۰. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۰۳ق، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، بیروت، مؤسسة اعلمی للمطبوعات.
۲۱. قطب الدین رازی، محمد بن محمد، بی تا، شرح مطالع الأنوار فی المنطق، قم، کتبی نجفی.
۲۲. الکلبینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۱ق، الکافی، چاپ چهارم، بیروت، دار صعب و دار التعارف.
۲۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۳ش، اخلاق در قرآن، ج ۱، محقق: محمد حسین اسکندری، چاپ نهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۲ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۹ش، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، کوثر.
۲۷. معین، محمد، ۱۳۴۲ش، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر.
۲۸. مصطفوی، حسن، ۱۴۲۶ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۳ش، آموزش فلسفه، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۱، میزان الحکمة، قم، دار الحدیث.
۳۱. نجامین مکالین اسپاک، ۱۳۹۶، تغذیه تربیت و مراقبت از کودک، مترجم: کبری قیصری، چاپ هفتم، تهران، معیار علم.
۳۲. هاشمی، حسین، ۱۳۸۶ش، «نقش تربیتی مادر در خانواده»، مجله پژوهش های قرآنی، شماره ۵۰-۴۹.
۳۳. الهندی، علی المتقی بن حسام الدین، ۱۳۹۷ق، کنز العمال فی سنن القوال والفعال، چاپ اول، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی.
۳۴. یزدی، ملا عبدالله، ۱۴۱۲ق، الحاشیه علی تهذیب المنطق، قم، النشر الاسلامی.
۳۵. وبگاه حضرت آیت الله سید علی خامنه ای: <https://farsi.khamenei.ir>